



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۳۴
۲۷ آبان ۱۳۸۳

مصاحبه با جمشید حبیبیان یکی از فعالین داخل پیرامون کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران

فراتر به نیازهای اساسی کمونیزم کارگری که می خواهد جنبش سرنگونی طلبی را عهده دار شود، جواب در خور وشایسته ای داد. از این رو کنگره ۵ با برخورد به مسائل انقلاب و امر سازماندهی آن جایگاه مهم و ویژه خود، به کل جنبش کمونیزم کارگری در ایران و منطقه را ثابت نمود. پیشروی آتی جنبش کمونیزم کارگری در ایران و منطقه به نتایج این کنگره بستگی داشته و نقش و موقعیت این کنگره در این پیشروی غیرقابل

صفحه ۳

نسرین رضانعلی:
ویژگی این کنگره از نظر شما چه بود؟

جمشید حبیبیان:

در این برهه از سیر حرکت جنبش کمونیزم کارگری کنگره ۵ جایگاه ویژه ای داشت. مطرح شدن دیدگاههای راست که علت

اصلی فراخوان کنگره بود، لزوم برخورد جدی به این دیدگاه را می طلبد. این کنگره اولین کنگره اعضا بود و از این نظر نیز جایگاه ویژه ای داشت. کنگره با تمام قدرت و یکپارچه با دیدگاه راست برخورد و از این طریق

نسرین رضانعلی:

جمشید حبیبیان شما یکی از فعالین حزب کمونیست کارگری هستید و می خواستم نظراتان را در مورد کنگره ۵ جویا شوم. چگونه در جریان کنگره قرار گرفتید و برداشت کلی شما چیست؟

جمشید حبیبیان:

من از طریق شبکه زنده مراسم کنگره را ندیدم. از طریق نشریات و رادیو در جریان برگزاری کنگره و مباحث آن قرار گرفتم. به نظر من کنگره ۵ در حد یک حزب قوی و تاثیرگذار در جامعه ظاهر شد و از این زاویه موفق بود.

ماجرای چهارپایه در احزاب کمونیستی

به بهانه طرح مجامع عمومی، شورا و رهبری آکسیون مردمی _ دانشجویی شانزده آذر

نوید مینایی (از ایران)

که در ابتدا به ذهن می رسند. از طرفی بحث هویت بخشی به رهبران چپ توسط حمید تقوایی در جامعه مطرح میشود و اسنادی هم از منصور حکمت هم در دست است که به سئوالات فوق پاسخهای روشنی می دهد.

بامطرح شدن بحث مجامع عمومی و شوراها دانشجویی از طرف مصطفی صابر و

صفحه ۲

بحث رهبران عملی در داخل، مدتی است که توسط حزب کمونیست کارگری ایران بصورت مشخص مطرح شده است. مثلاً برای هر کار حزبی مطرح میشود " این دیگر دست رهبران عملی در داخل را میبوسد". این رهبران عملی چه کسانی هستند و چه مشخصاتی دارند؟ کی و کجا باید وارد عمل شوند؟ ارتباطشان با حزب و سایر افراد جامعه چگونه باید باشد؟ و ... اینها سئوالاتی هستند



**خانه کارگر و شوراهاى اسلامى کار
ارگان سرکوب کارگرانند**
در حاشیه نامه محمود صالحی به گای رایدر
ناصر اصغری

صفحه ۵

۱۶ آذر و جنبش برابری طلبی

**مصاحبه ایسکرا با
نسرین رضانعلی**

صفحه ۴



جمع و شجاعت بیشتری هستند به جلوی صف اعتراضی رانده میشوند. اینان کسانی هستند که اعتراض با آنان تداعی میشود و خواه نا خواه رهبری اعتراض را بعهدده میگیرند. آنان با چهارپایه شان شناخته میشوند. چهارپایه ای که بر روی آن می روند و جمع را خطاب قرار می دهند. هدایت اعتراض بدون این افراد، بدون رهبران عملی ممکن نیست.

رهبران عملی دانشجویان که از جامعه دانشجویی برخوردار باشند، معمولاً جوان هستند و دارای تجربه کافی برای هدایت اعتراضی نیستند. ولی دارای انرژی بالا و روحیه ای فوق العاده هستند، میتوانند با يك سخنرانی یا گفتن يك جمله در يك جمع، جو حاکم را به سمتی که می خواهند هدایت کنند.

در باره مشخصات فردی رهبران عملی نگران نباشید. شجاعت، توانایی حرف زدن در مقابل جمع و حتی اتخاذ سریع تصمیمات جزو مشخصات ذاتی هیچ کس نیستند. این توانایی ها اکتسابی هستند. کافی است به عمق بحث تعیین بخشی پی ببرید و اطمینان پیدا کنید که اعتراض شما و حرف شما، اعتراض و حرف نود درصد جامعه است و در صورتی که اعتراض را به شکلی منطقی مطرح کنید و پیش ببرید، حمایت جامعه

يك مبارزه اعتراضی بالفعل و در جریان) باید در کل پروسه آن صورت پذیرد. قبل از آکسیون، در حین آکسیون و بعد از آن. هر آکسیونی متاثر از شرایط عینی جامعه آنروز و تلقی خاصی از تناسب قوای موجود شکل می گیرد. دخالت در آکسیون قبل از آن یعنی تغییر تلقی احياناً اشتباه از تناسب قوا و افزایش دامنه اعتراض. توازن قوای واقعی معمولاً از دید عموم پنهان است، اطلاع رسانی در باره سایر آکسیونها و عقب نشینی حکومت، بالا بردن سطح آگاهی و تشکل پذیری جامعه و بالا بردن سطح توازن قوا به نفع خود از اهم فعالیتها و دخالت در آکسیون، قبل از شروع آن است. دخالت در آکسیون پس از آن شامل بررسی دقیق فعالیت، نقد آن، پاسداری از دستاوردهای آن و به اطلاع عموم رساندن همه اینهاست. درسهای هر آکسیونی باید به دانش عمومی جامعه اضافه شود و در آکسیونهای بعدی مورد استفاده قرار بگیرد. در حین آکسیون وظیفه فعال کمونیست رهبری، هدایت تشکل و اجرای سیاستهای حزب است. این رهبری الزاماً باید علنی باشد. ولی همین الزام به علنیت شرایط خاصی را به کار آژیئاتور اعمال می کند.

ما چه خواهیم و چه نخواهیم در هر حرکت اعتراضی افرادی که دارای خصوصیات فردی شامل قدرت حرف زدن در مقابل

احساسات و هیجانات تصمیماتی می گیرند و قاعدتاً می توانند اشتباهاتی داشته باشند. این رهبران سنتا در اعتراضات کارگری و دانشجویی وجود داشته اند. ولی امروز این ما هستیم که باید این رهبری را بعهدده بگیریم و اشتباهات را به حداقل برسانیم. ما امروز دارای حزبی سیاسی و کاملاً متشکل و هدفمند هستیم، پس باید از این امکان کاملاً استفاده کنیم. از میان خودمان رهبرانی برای مجامع عمومی و حرکتهای اعتراضی بیرون بدهیم. نقش این رهبران در فعالیتهای حزبی بسیار تعیین کننده است و يك وجه فعالیت دیگری را به حزب می دهد. در اهمیت نقش این رهبران در حزب کمونیستی باید گفت، اگر تمام نظریه پردازان کمونیست جمع شوند و نظریه های انقلابی صادر کنند، تا آژیئاتور این نظریات را بعنوان رهبر عملی به جامعه نبرد، تمام نظرات در کتابها می مانند. پس ما کار بسیار مهم و تعیین کننده ای پیش رو داریم. در حال حاضر رهبران عملی حزب به دو گروه تقسیم میشوند، رهبران عملی در خارج کشور و رهبران عملی در داخل. در اینجا بیشتر به رهبران داخلی میپردازم (چون به خودم هم مربوط میشود!!!).

دخالت در رهبری يك آکسیون (آکسیون به معنی اخص کلمه، یعنی بعنوان

ادامه ماجرای چهارپایه در احزاب

تأیید آن توسط رهبری حزب و نزدیک شدن شانزده آذر به نظم رسید تحقیقی در رابطه با آژیئاتور و آژیئاتور در مباحث منصور حکمت انجام دهم، مباحثی که مشخصاً به ما، مایی که در داخل ایران زندگی می کنیم مربوط میشود. روی این مباحث کاملاً به ماست. بحث تعیین بخشی که از طرف حزب طرح شده تصور کاملاً دقیقی از اوضاع داخل دارد و با توجه به توازن قوای در داخل مطرح شده است و نیز کاملاً به این موضوع مربوط است. این مباحث از آنجا مطرح شده اند که حزب ما عمیقاً به انقلاب اعتقاد دارد و به صور دیگر کسب قدرت توهمی ندارد.

برای تشکیل هر مجمعی، اداره و رهبری هر تشکلی و در نهایت سروسامان دادن به هر آکسیونی، افرادی که دارای مشخصات خاصی هستند رهبری آن را بعهدده می گیرند. این رهبری اختراع کمونیستها نیست. در هر حرکت اعتراضی افرادی که توانایی حرف زدن، تهییج، رهبری، نمایندگی، اتخاذ سریع تصمیمات و نمایندگی خواست معترضین را دارند به جلوی صف اعتراض رانده می شوند و کار رهبری آکسیون را به عهده می گیرند و نمایندگی منافع جمع را به عهده می گیرند. این رهبران معمولاً تحت

سر دبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 734 484 262
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران
tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب
Satellite: Telstar12
Center Frequency:
12608MHz
Symbol Rate:19279
FEC:2/3
Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب
رادیویی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر
با ۱۲۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

را بدست خواهید آورد و با خواندن نشریات حزمان به آگاهی هایی که نیاز داریم نیز مسلح می شویم. برای تبدیل شدن به يك آژیتاتور خوب باید تمرین کرد که در ادامه می آورم.

ما باید به اهمیت نقش خود آگاه باشیم باتوجه به تناسب قوا باید بدانیم کجا و چگونه وارد عمل شویم و جو را به نفع خود تغییر دهیم. تفرقه پراکنی عمال رژیم و کسانی که از روی یاس و ناامیدی آیه یاس می خوانند را شناسایی کرده و بی اثر کنیم و مهر خود را بر تغییرات بکوییم و مهمتر از همه چگونه مواظب خودمان باشیم.

باید توجه داشته باشیم این شکل فعالیت بعد جدیدی از فعالیت حزبی، سیاسی به حزمان می دهد. به نظر میرسد امروز باید این شکل فعالیت حزبی را بسیار جدی گرفت. با توجه به شرایط حاضر در جامعه آکسیونهایی مثل شانزده آذر نقاط شروع ایده آلی برای فعالیت هستند و از آنجایی که يك شکل فعالیت حزبی است، باید در هماهنگی کامل با حزب صورت بگیرد.

به خاطر شکل زندگی دانشجویی که جمعی میباشند، چه در خوابگاهها و چه در خانه های دانشجویی، رفت و آمدها و شب نشینی های دانشجویی بهترین فرصت برای شروع فعالیتهای رهبران عملی دانشجویی است. اطلاع داشتن دائمی از سیاستهای حزب،

نشریات آن، شعارهای مطرح شده که اولویتها را نشان می دهند و مهمترین مسئله آگاهی از تئوری مارکسیستی برای رهبران عملی بسیار مهم است. رهبر عملی باید بتواند سایر موضوعگیرهای غیر پرولتری را شناسایی و نقد کند، این مهم با ارتباط منظم و دائمی با حزب (که اینروزها به لطف اینترنت بسیار آسان شده) کاملاً امکان پذیر است. این نقدها و اخبار را باید به اطلاع همگان برسانیم و از سایر تحركات اعتراضی حمایت کنیم. مثلاً در قطعنامه هایی که معمولاً توسط رهبران عملی تهیه و تنظیم می شوند از اعتراضات سایر اقشار مخصوصاً اعتراضات کارگری حمایت کنیم.

ولی سازمان آژیتاسیون چگونه باید باشد؟ در شرایط حاضر در ایران، بخاطر مسائل امنیتی نمی توان شبکه ای از رهبران عملی که توسط حزب به هم متصل باشند، داشت. ولی میتوان در جمعهای دوستانه و مطمئن، کار رهبری را سازماندهی کرد. مثلاً در جمعهای سه نفره به بالا میتوان يك یا چند آژیتاتور داشت و بقیه افراد گروه که در روابطی عادی (همکلاسی، دوست دختر یا دوست پسر آژیتاتور) با آژیتاتور قرار دارند کار حمایت از آژیتاتور را بعهده بگیرند. کار گزارشدهی به سازمان جوانان را انجام دهند، در صورت لزوم با حزب مشورت کنند و نشریات

را توزیع کنند. خود آژیتاتور کاملاً باید از لحاظ اسناد حزبی پاک باشد و حتی در کامپیوتر شخصی خود یا سایر جاها مثل کمد شخصی، اسناد و نشریات حزب را نگهداری نکند. این توصیه ها به خاطر این است که آژیتاتور بعنوان عنصر ناراضی و چپ توسط پلیس زیر ذره بین است. برای پیشبرد هرچه بهتر رهبری می توان از محافل دانشجویی استفاده کرد. ما در این محافل باید خود را بعنوان کسی معرفی کنیم که نسبت به هر امر اجتماعی نظر و نقدی رادیکال دارد و پیشنهادهای شگفتی و رویه جلیوسی می دهد. انساندوست است، طرفدار آزادی و برابری زن و مرد است، به مذهب و نژاد و سنتها اهمیت نمی دهد و نقدشان می کند... تماسهای خود را با تعداد هر چه بیشتری برقرار کنیم، از شرکت در محافلی که شناخت چندانی از آنها نداریم ابایی نداشته باشیم (البته با در نظر گرفتن مسایل امنیتی)، نظرات رادیکال همه جا شنونده دارند.

بالا بردن سطح آگاهی و شناساندن حزب کمونیست کارگری و راهکارهایش همچنان مهم ترین هدف ماست، چه در مقام آژیتاتور و چه در مقام دوست آژیتاتور. ولی باز تاکید می کنم وظیفه ما تنها فراخواندن جامعه به اعتراض نیست، متشکل کردن و هدایت اعتراضات و نتیجه گرفتن

از آن در آکسیونها، تشکیل مجامع عمومی و تلاش برای همیشگی کردن و منظم کردن مجمع هدف همیشگی ماست.

کار آژیتاسیون به نظر تخصصی می آید و آژیتاتور باید مهارت های خاص و تجربه کافی داشته باشد. درست است. تخصص است ولی کسب این تخصص چندان هم سخت نیست. مقداری اطلاعات می خواهد که حزب در اختیارمان گذاشته و کمی تمرین می خواهد که میشود همه جا انجام دهد. مثلاً به بهانه های مختلف مثلاً نزدیک کردن و ایجاد جو دوستی در جمعی که رابطه شان بهم خورده، این توانایی تاثیرگذاری روی افراد را بالا می برد. حمایت از دانشجویان تعلیقی، حمایت مالی برای کارگران بیکار... يك کار دیگر ابراز شکایت و جلب همکاری مردمی در مکانهای عمومی مثل بانکها و سایر ادارات دولتی است. برای این کار باید حمایت ارباب رجوع و کارمندان جزء را جلب کرد و مدیران سطح بالا را در مقابل جمع مراجعه کنندگان و کارمندان جزء مورد خطاب قرار داد و از آنان با اصرار جواب خواست. از توهین و برخوردهای زننده هراس نداشته باشید. برخورد معقول و منطقی شما، شما را از چنین برخوردهایی حفاظت می کند. در صورت بروز چنین برخوردهایی روش افشاگرانه در پیش بگیرید

و از مردم کمک بخواهید. مطلقاً از یاد نبرید در چنین مواقعی باید کاملاً با صدای بلند حرف بزنید و حتماً در ملاء عام باشید که از حمایت مردمی برخوردار شوید.

ما که معتقدیم انقلابی در راه است باید آن را شروع کنیم و برای این محتمل ترین شکل تعویض حکومت خودمان را آماده کنیم. برای انقلاب تشکل نیاز داریم، نه برای روشهای دیپلماتیک کسب قدرت. پس ما، حزب کمونیست کارگری شوراها، مجامع عمومی و انجمنهای آزادی و برابری را تشکیل می دهیم و رهبری آکسیونها را به دست می گیریم. کسانی که به انقلاب اعتقادی ندارند به رهبری آکسیون، آژیتاسیون و شورا هم نیازی ندارند.

برای تشکییل هرتشکلی باید اقدام کرد. اقدام عملی را رهبران عملی می کنند. اگر می خواهیم از شرمذهب، جمهوری اسلامی و سرمایه داری نجات پیدا کنیم، اگر می خواهیم لباسمان را خودمان تعیین کنیم، اگر می خواهیم غذا بخوریم و به خاطر خوردن غذا شلاق نخوریم، باید، باید دست بکار شویم. امروز که حزب کمونیست کارگری این چنین قویست، از قدرتش استفاده کنیم و خودمان را رها کنیم.

به این مبحث از جنبه های متفاوتی میشود نگاه بقیه در صفحه ۶

۱۶ آذر و جنبش برابری طلبی

ایسکرا:

۱۶ آذر در راه است. ما از هم اکنون شاهدیم که اعتراضات و مبارزات دانشجویان در جریان است و ابعاد جدیدی به خود گرفته است. از نظر شما ۱۶ آذر امسال چه تفاوتی با ۱۶ آذر پارسال دارد؟

نسرین رمضانعلی:

شاید بهتر باشد بگوییم از ۱۶ آذر پارسال تا امسال چه تغییراتی در اوضاع و احوال سیاسی بسیار متغیر جامعه پیش آمده است. پارسال روز ۱۶ آذر که تا آن زمان سنتا به اعتراضات دانشجویی تعلق داشت، وارد فاز جدیدی شد. ۱۶ آذر سال گذشته روزی که پرچم آزادی و برابری برافراشته شد، روزی که پرچم حمایت از مبارزات کارگری بالا رفت، علنا جنبش دانشجویی و مبارزه مردم با هم گره خورد، فشرده شد و هم صدا با شعارهای رادیکال به میدان آمدند. اما امسال چه تفاوتی با پارسال خواهد داشت؟ هم اکنون ما شاهد اعتراضات بسیاری از سوی دانشجویان علیه تعرضات رژیم و تلاش آن برای ایجاد محدودیت در محیط های دانشجویی و کنترل دانشگاهها از طریق پیاده کردن طرح کنترل الکترونیکی و انگشت نگاری و نیز علیه کمیته های انضباطی در دانشگاهها هستیم. در کنار این اعتراضات، مبارزه بر علیه خصوصی سازی دانشگاهها، علیه حجاب اجباری، علیه جداسازی زنان و مردان در محیط دانشگاه جریان دارد. بویژه این اعتراضات در فضای ملتهد امروز جامعه رنگ چپ و رادیکالی بخود گرفته است.

از اینرو ۱۶ آذر امسال از تمامی این جهاتی که به آن اشاره کردم تفاوتی اساسی با پارسال دارد.

ایسکرا:

در اوضاع کنونی می بینیم که جنبش دانشجویی که تا مدتی پیش بند نافش به دوم خرداد بسته بود، توانسته خودش را جدا نماید و حرکات رادیکال تر و جدی تری را سازمان بدهد. شما این تحول و چرخش به چپ در جنبش دانشجویی را چگونه ارزیابی می کنید؟

نسرین رمضانعلی:

من فکر نمی کنم راستش بند ناف جنبش دانشجویی به دوم خرداد وصل بوده، هر چند دوم خرداد تلاش زیادی می کرد که در راس این جنبش قرار بگیرد و آن را هدایت بکند و در واقع جنبش دانشجویی را مهار کند. بطور واقعی ما شاهد یک جنبش اعتراضی میلیتانت و رادیکال از سوی دانشجویان هستیم. این جنبش می خواهد از ابزاری استفاده کند که سرکوبش راحت صورت نگیرد کرده و خیلی قبل تر از آن اعتراضات دانشجویی نشان داد که اتفاقا این چپ است که در این جنبش دست بالا را دارد. این جنبش در سال گذشته نشان داد که خواهان جامعه ای سکولار، آزاد است، خواهان جامعه ای بدون آپارتاید جنسی، بدون تبعیض بدون فقر و بدون درهای آهنین زندانهایی چون اوین و قزل حصار، ودر یک کلام سرنگونی خواه می باشد.

اگر خواستها و مطالبات چپ و سکولار و برابری طلبانه این جنبش را مرور بکنید، به نظر من این جنبش به ما به جنبش کمونیسم کارگری تعلق داشته و بازتاب رنگ اجتماعی اهداف و برنامه ما می باشد. به

عبارت دیگر جنبش دانشجویی توانسته محدودیتهای و موانعی که بر سر راه تشکل و فعالیتش قرار داشته را برداشته و گامهای زیادی به جلو بردارد. همانطور که گفتم مشخصه اصلی این پیشروی دست بالا پیدا کردن چپ و رادیکالیسم در این جنبش است.

ایسکرا:

اخیرا بحث های زیادی حول افق و آینده جنبش دانشجویی در جریان است. شما این جنبش و جریانات چپ و رادیکال دخیل در آن و به خصوص مطالبات و شعارهایش را چگونه می بینید؟

نسرین رمضانعلی:

من قبلا اشاره کردم جنبش دانشجویی در کل وارد یک فاز جدید شده است. فازی که نه تنها برای خواسته های صنفی بلکه برای به زیر کشیدن حکومت جمهوری اسلامی مبارزه می کند. خواسته های این جنبش هر روز روشنتر، چپ تر و رادیکالتر میشود. این جنبش با بلند کردن پرچم آزادی و برابری همبستگی خود را با خواسته های کل جامعه اعلام کرد و از همین روست که در همان ابتدا گفتم روز ۱۶ آذر روز آزادی و برابری است و همه ماست. این آن افقی است که به شعارهای این جنبش و به خواسته های شفافیت میدهد، پرچم حمایت از اعتراض کارگران را بلند میکند و خود را با دیگر اعتراضات های اجتماعی موجود در جامعه تعریف میکند و جنبشی است برای نه به جمهوری اسلامی و برای برابری. این را ما در شعارها و خواسته های ۱۶ آذر پارسال شاهد بودیم. امسال این پیوند عمیقتر شده است و تا همین الان دانشجویان با خواسته ها و شعارهای روشنتری

اعتراضاتشان را به پیش برده اند و اینها همه بر فضای ۱۶ آذر امسال نیز تاثیر میگذارد. مجموعه این مولفه ها امکان میدهد که در ۱۶ آذر امسال دانشجویان حرف خود را خیلی شفافتر از سال گذشته بیان کنند و با قطعنامه ها و بیانیه های رادیکالتری در این روز به خیابان بیایند. ۱۶ آذر امسال روز زور آزمایی بین حکومت و این جنبش می باشد.

ایسکرا:

۱۶ آذر پارسال ظاهرا در شهرهای کردستان بی سر و صدا برگزار شد. اگر بخواهیم با سایر شهرهای ایران مقایسه کنیم، در این مورد شما چه می گوید؟

نسرین رمضانعلی:

من از قبل از ۱۶ آذر با فعالین زیادی در کردستان در ارتباط بودم و شاهد تحلیلهای آنها بودم. در سال گذشته در ابتدا جمهوری اسلامی کل شهرهای کردستان بخصوص سنندج را به حالت نظامی در آورده بود. همان موقع تحلیل فعالین این بود که اگر ما به خیابان بیاییم جمهوری اسلامی بشدت سرکوب میکند و این باعث می شود که مبارزات شهرهای دیگر مرعوب شود. این وضعیت بر شکل حرکت دانشجویان در شهر های کردستان تاثیر گذاشت. اگر چه در همانموقع ما در خوابگاههای دانشجویی شاهد اعتراضات آنها بودیم.

ایسکرا: فکرمی کنید این تحلیل درست بود؟ امسال باید چکار کنند؟ نسرین رمضانعلی: ببینید من همان موقع هم توضیح دادم که این تحلیل درستی نیست و اتفاقا باید این جنبش همراه و همگام با جنبش سراسری به میدان بیاید. من حتی فکر میکنم

روحیه اعتراضی در شهرهای کردستان بالاتر است و از اینرو توازن قوا بیشتر به نفع اعتراضات مردم است و بطور قطع اعتراضات دانشجویان با حمایت وسیع مردم روبرو میشود. بنابراین پاسخ درست به تعرضات رژیم تعرض بود. آنها هم در فضایی که در شهرهای دیگر جنب و جوش اعتراضی برپا بود، دانشجویان در شهرهای کردستان در موقعیت بهتری میتوانستند اعتراضاتشان را به پیش برند. ما همیشه شاهد بوده ایم که جمهوری اسلامی هر کجا که باشد سعی در سرکوب دارد ولی این جنبش هر چه وسیعتر به میدان بیاید، هر چه تعرضی تر باشد، بیشتر میتواند قدرت و توان سرکوب را از جمهوری اسلامی بگیرد و او را مجبور به عقب نشینی کند. بنظر من باید فعالین این جنبش در کردستان خود را با جنبش سراسری تعریف کنند. بویژه امسال فضا به مراتب آماده تر است. باید همانطور که اشاره کردم همه مردم در کردستان همانند دیگر شهرهای ایران به تجمع دانشجویان در مقابل دانشگاهها پیوندند. روز ۱۶ آذر را باید به روز اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. دانشجویان چپ و کمونیست در کردستان باید از هم اکنون در فکر تدارک برپایی باشکوه ۱۶ آذر باشند. باید کل جامعه را فراخواند که در این روز در محل دانشگاهها حاضر باشند. با پخش شبنامه از مردم بخواهند که در اعتراضاتشان شرکت کنند. بر در و دیوار شهرهای کردستان و در همه جا بنویسند که ۱۶ آذر روز آزادی و روز برابری است. اگر در این روز همه مردم،



کارگر، کارمند، معلم، پرستاران، کانونها و انجمنهای مترقی همراه با دانشجویان وارد عمل شوند، جمهوری اسلامی زانو خواهد زد. در مقابل عزم جزم شده مردم تشنه آزادی و برابری، مردمی که جان بر لبشان رسیده، راهی به غیر از عقب نشینی نخواهد داشت.

ایسکرا:

از نظر شما محوری ترین خواست و مطالبات در ۱۶ آذر چه می تواند باشد؟

نسرین رمضانعلی:

شعار محوری که همه جامعه را به هم پیوند میدهد شعار آزادی و برابری است. ضمن اینکه خواستههای لغو آپارتاید جنسی، آزادی زندانیان سیاسی، بازگرداندن دانشجویان اخراجی به دانشگاه، لغو کمیته های انضباطی و طرح کنترل الکترونیکی و انگشت نگاری همه و همه خواستههای فوری و مهمی هستند که میتواند رئوس قطعنامه های

دانشجویان را تشکیل دهد. ایسکرا: حزب شعار انجمن های آزادی و برابری را طرح کرده است. جایگاه این انجمنها در جنبش دانشجویی و مبارزاتی که در جریان می باشد، چیست؟

نسرین رمضانعلی:

تا جایی که من خبر دارم این خواست، یعنی خواست برچیده شدن کمیته های انضباطی و شوراها و انجمن های اسلامی، خواست و مطالبه ای حی و حاضر در جنبش دانشجویی می باشد. طرح انجمن های آزادی و برابری از طرف ما پاسخی است به اعتراضات موجود در جامعه و بردن آنها زیر چتر واحد. انجمن های آزادی برابری میتوانند همه اعتراضات کنونی حول خواستههای لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی، حقوق کودک، حقوق زنان، مبارزه علیه کمیته های انضباطی در دانشگاهها، کمپین های حمایتی از اعتراضات بخش

های مختلف جامعه، همه و همه را همانطور که گفتیم زیر یک چتر واحد ببرد و به آن سازمان دهد. ما میگوییم ۱۶ آذر روز آزادی و برابری است و بنابراین این روز فرصت مناسبی است برای تشکیل این انجمن ها با پلاتفرمهای روشنی که رئوس خواستههای فوری مردم حول شعار آزادی و برابری را بیان میکنند. مثلا یک موضوع اعتراضات دانشجویی اعتراض علیه تشکل های دولتی و ارگانهای سرکوبگر مستقر در دانشگاههاست، انحلال ارگانهای سرکوب و جاسوسی میتواند یک خواست انجمن های آزادی و برابری باشد. انجمنهای آزادی و برابری یک ظرف مبارزاتی مناسب برای جنبش های مردمی و اینجا مشخصا جنبش دانشجویی است که می تواند اتحاد وسیعی در اعتراضات بخشهای مختلف جامعه ایجاد کند و ضربه پذیری آنرا نیز کم نماید. به بیان دیگر تلاش ما

برای شکل دادن به این انجمن ها پاسخی به این اوضاع می باشد. بگذارید کمی بیشتر توضیح بدهم. جنبشی که علیه جدا سازی مبارزه می کند، جنبشی که شعار لغو آپارتاید جنسی را میدهد، جنبشی که کمیته های انضباطی را محکوم کرده و منحل اعلام می کند، میتواند در شکل انجمنهای آزادی برابری متشکل شود. این انجمنها در واقع تامین کننده منافع و خواستههای دانشجویان است و از اسامش هم پیداست که دنبال آزادی و برابری است. بنظر من با نزدیک شدن ۱۶ آذر باید صدها انجمن آزادی برابری تشکیل شود و اعلام موجودیت کند.

ایسکرا:

فراخوان شما به دانشجویان و مردم در این روز چیست؟ کدام شعار و مطالبه باید در صدر خواستها و مطالبات این روز قرار بگیرد؟

نسرین رمضانعلی:

فراخوان من به مردم

آزادیسخواه و انسانهای که قلبشان برای آزادی برابری می تپد، مردمی که از ابتدایی ترین حق و حقوق خود محروم شده اند، زنانی که برای لغو حجاب اجباری و قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی مبارزه کرده و می کنند، به خانواده زندانیان سیاسی، به قربانیان جمهوری اسلامی، به جوانانی که از ابتدایی ترین مواهب زندگی و شادی محروم هستند، به تمامی انسانهایی که جمهوری اسلامی زندگی را بر آنها بیش از ۲۵ سال است سیاه کرده، این است که در این روز یکپارچه همراه با فرزندان خود به خیابانها بیایند و شعار زنده باد آزادی و برابری را سر بدهند، شعار سوسیالیسم بیخیز برای رفع تبعیض را سر بدهند و عزم شان را برای گسترش مبارزه برای به زیر کشیدن نکبت اسلام و جمهوری اسلامی با صدای بلند به جهانیان اعلام نمایند.

خانه کارگر و شوراهای

اسلامی کار ۰۰۰

محمود صالحی اخیرا بعد از توافقات بین سازمان جهانی کار (آی ال او) و وزارت کار جمهوری اسلامی نامه ای به تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۰۴ به گای رابدر، دبیرکل کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری آزاد نوشته است که سواي مطرح کردن نکاتی درست و بجا، درباره خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نه تنها دچار اشتباه فاحشی شده اند، بلکه اگر کسی بگوید دارید توهم پراکنی می کنید، باید به وی حق داد! وی می گوید: "بینش دیگری هم در جهان وجود دارد که مشخصه آن

گرایش دائمی به سازشکاری با کارفرماهاست. این گرایش جبرا به همکاری طبقاتی در عمل و به زیان منافع کارگران منجر میشود. خانه کارگر و شوراهای اسلامی از این دسته هستند. "آیا واقعا آقای صالحی درباره خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار چنین فکر می کند؟ البته که بر محدودیتهای محمود صالحی واقفم. آقای صالحی اگر می گفتند که شوراهای اسلامی کار نهادی رژیم است، فکر نمی کنم از لحاظ امنیتی دچار مشکلی می شدند، چرا که خود سران رژیم و طراحان اقتصادی از نوع فریبز رئیس دانا هم اکنون دارند اذعان می کنند که

این نهادها زیادی رژیم می هستند! حداقل کاری که از محمود صالحی انتظار می رفت سکوت در این مورد بود. فکر نمی کنم اکنون کسی در جنبش کارگری ایران شکی داشته باشد که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار ارگانهای سرکوب رژیم باشند. محمود صالحی با اشاره به دیدارهای مقدماتی بین آی ال او و وزارت کار وقت جمهوری اسلامی می نویسد: "برخلاف شوراهای اسلامی بخشهایی از جنبش کارگری ایران از آن توافقنامه استقبال کردند و نامه تشکر برای وزارت کار ایران نوشتند و از آن قدردانی کردند." او

می کند که: "توافق اخیر سازمان جهانی کار حاصل نتایج انتخابات مجلس هفتم است که حامیان توافقنامه قبلی قدرت خود را از دست دادند. آیا این برداشت موجهی است که کارگران ایران تصور کنند که سیاست و تصمیمات سازمان جهانی کار در ایران تابع رقابت و تغییر موازنه قدرت در بین جناحهای جمهوری اسلامی است؟" او بدست ضمنی اشاره می کند که آی ال او نخواسته با کارگران ایران طرف شود؛ بلکه با جناحهای رژیم طرف است؛ و این قابل تقدیر است. مشخصه شوراهای اسلامی کار جاسوسی و بدام انداختن

فعالین کارگری است. اینها قوانین نوشته شده شوراهای اسلامی کار هستند. اما آنچه که ایشان بعنوان "گرایشی که مشخصه اش سازشکاری با کارفرماها و همکاری طبقاتی" است، گرایشی است بنام سندیکالیسم. سندیکالیسم حداقل پادوی رژیم جمهوری اسلامی نیست. به دنبال شکار فعالین کارگری و بدام انداختن آنها نیست. کارش جاسوسی برای وزارت اطلاعات و انجمن های اسلامی نیست. آقای صالحی باید اینها را از هم تفکیک بدهد. این به اعتبار ایشان بعنوان یک رهبر شناخته شده کارگری نیز لطمه می زند!

انکار است.

نسرین رضانعلی:

بنظر شما این کنگره در این اوضاع پاسخگوی انتظارات شما بود؟ اگر آری کدام قطعنامه و چرا؟

جمشید حبیبیان:

مصوبات و قطعنامه های کنگره کاملاً انتظارات ما را که از نزدیک در کوران مبارزه طبقاتی هستیم، برآورده کرد. تمامی قطعنامه ها لازم و ملزوم هم بوده و در ادامه مصوبات کنگره ۴ قطعنامه حزب و قدرت سیاسی از نظر من جایگاه مهمی در ارائه راهکار به رهبران عملی و فعالین حزب برای هدایت انقلاب و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر دارد. کنگره در تشبیت دستاوردهای تائکونونی توانست در برابر راست ایستاده و قطعنامه های راهگشا برای انقلاب در ایران را تصویب نماید. قطعاً بدون حفظ و تشبیت دستاوردهای تائکونونی کمونیزم کارگری امکان نداشت کنگره موفق شود. قطعنامه حزب و قدرت سیاسی برای من اهمیت داشت، چرا که کار در این

مرحله سیر حرکت کمونیزم کارگری شفافیت بیشتری به موضوع داد. کمونیزم کارگری در حرکت خود، با توجه به نیازهای بیرون خود با مسائل متعدید روبرو میگردد که جواب در خور می طلبد. این قطعنامه در این مرحله برای ما روشنی بیشتری به نحوه دخالت حزب در قدرت سیاسی بخشید و از این زاویه اهمیت داشت. اگر بخواهم جمع بندی کنم باید بگویم که کنگره ۵ مصوبات آن در سازماندهی انقلاب تاثیر زیادی داشته ولی تسریع سازماندهی انقلاب دیگر مربوط به فعالین درگیر آن یعنی ما دارد. بدست گرفتن قطعنامه ها و عملی نمودن آن و شرایطی که بخشا بیرون از ما در کارمان دخالت دارد، سرعت سازماندهی انقلاب را معین می کند. به هر حال باید برویم کارکنیم، نیرو جمع کنیم و طبق رهنمودها عمل نماییم، پیشروی کنیم و پیشرویها را تشبیت کنیم. آن وقت می توانیم سرعتمان را ارزیابی کنیم.

جمشید حبیبیان:

تاثیرات این مصوبات و قطعنامه ها با شرایط عینی کار و فعالیت در داخل را چگونه می بینید؟

جمشید حبیبیان:

ما در محل زیست و کار بر اساس دیدگاههای کمونیزم کارگری حرکت می کنیم. قطعنامه های کنگره در این مرحله از کار شرایط موجود را شفافتر توضیح داده و برداشتن گامهای بعدی را آسانتر می کند. قطعنامه ها یک فراخوان سراسری به همه فعالین است و آن بخش از فعالینی را که هنوز درک کامل و روشنی از نحوه کار و وظایف کمونیستی را ندارند، به سمت صحیح رهنمون می کند. برای خود من از دو سه سال قبل بحث های زیادی در خصوص اهمیت سبک کار مستقیم کمونیستی، اهمیت سازماندهی طبقه کارگر و سیاستهای ما و مسائلی از این دست مطرح بوده که بعد از کنگره جا انداختن سیاستها براحتمی امکانپذیر شد. به اعتقاد من تاکید کنگره بر سازماندهی انقلاب توسط حزب و حرکت برای کسب

قدرت سیاسی در جامعه، یعنی اینکه امر تعطیل ناپذیر کمونیستها سازماندهی انقلاب است. به ما می گوید که تمامی ادبیات کمونیزم کارگری در رابطه با طبقه کارگر و شیوه های سازماندهی مکتوب تائکونونی، به قوت خود باقی است، باید رفت و به کار گرفت و سازماندهی کرد. کنگره ۵ در یکنواخت کردن آهنگ حزب و فعالین حزبی گام اساسی برداشت. علاوه بر این به نظر من به عنوان یک فعال درگیر در مبارزه، حزب باید مستقیماً رو به رهبران عملی و فعالین حزب و در چهارچوب قطعنامه ها کار و فعالیت نماید.

نسرین رضانعلی:

شما بعنوان یک فعال در داخل انعکاس کنگره را بخواهید از داخل به ما منعکس کنید و تاثیراتش را بیان کنید چه میگویند؟

جمشید حبیبیان:

تعداد زیادی از مردم که از طریق نشریات، و یا خود کنگره را که زنده پخش می شد تعقیب کردند تقریباً همین ارزیابی را من دارم آنها نیز دارند.

مردم برای اولین بار با یک چنین کنگره ای مواجه شده و برایشان جالب بود. جالب از این نظر که عده ای کمونیست در یک جمع وسیع و هماهنگ با هم با شور و شوق وصف ناپذیری تشکیل جلسه می دهند، سخنرانی و بحث می کنند و تصمیم می گیرند و به مسائل گرهی مربوط به مردم و انقلاب شان جواب می دهند، کاری جدید و نو که در نوع خود بی نظیر است. مردم همیشه جلسات و کنگره ها را در بالای جامعه و غیر مرتبط به مسائل خود دیده اند و می بینند و لذا چنین کنگره ای تا این حد نزدیک به مسائل شان تعجب آور است.

نسرین رضانعلی:

با تشکر فراوان از شما برای وقتی که در اختیار من گذاشتید.

جمشید حبیبیان:

با معذرت از اینکه دیر جواب را فرستادم واقعا هم مشکل کامپیوتری داشتم هم شدت درگیر کارهای دیگر. امیدوارم که دیر نشده باشد.

ادامه ماجرای چهارپایه در احزاب

کرد. بنظر من این هم یک نگاه از یک زاویه به بحث آژیتاسیون است. طرح نظرات و تجربیات باعث نشان دادن راه بهتر و پیشبرد بحث میشود. نظرتان را بگوئید.

مبحث آژیتاتورها و رهبران عملی و نقش و جایگاه آنان در پیشبرد هدفمند مبارزات کارگران یکی از مباحث اصلی کمونیسم کارگری است. منصور حکمت مفصلاً به آن پرداخت و حمید تقوایی با طرح مباحث "ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی"

ابزار دقیق و قابل بکارگیری را در دست رهبران عملی و کمونیست در مبارزات جاری کارگران و سایر اقشار مردم قرار داده است. تلاش میکنیم شماره های بعدی ایسکرا این مبحث بسیار با اهمیت را از جوانب مختلف مورد بحث قرار دهیم. در این شماره ایسکرا نظرات نوید

مینائی از ایران را بچاپ می رسانیم، تا سرآغازی باشد برای بحث و تبادل نظر و همفکری و همدلی هر چه بیشتر رهبران عملی در داخل کشور. نظرات، نقد و پیشنهاداتتان را برای ما ارسال کنید. باتشکر، منصور فرزاد

ایسکرا را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!